

البيعة لله

البيعة لله

کلمتہا

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

چراغی که به خانهدی حق رواست...

نویسنده: محمود ساحق

تاریخ: ۱۴۰۱/۱/۲۲

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

پایگاه اطلاع بر سبب افتر منصوصاً ما شعی حرسنا حفظاً الله تعالی



در میانه‌ی مطالعات و جستجوهای روزانه در سایت‌های اینترنتی و فضای مجازی، به صورت اتفاقی به مطلبی برخوردیم که برایم بسیار تأمل برانگیز و البته تأسف‌آور بود! در این مطلب، به یک واحد نظامی با عنوان سپاه حفاظت ولی امر (!) اشاره شده بود و نکات متعدّد و توضیحات مختلفی درباره‌ی وظایف، امکانات و ویژگی‌های این یگان نظامی داده شده بود. از جمله آنکه وظیفه‌ی این یگان نظامی ویژه، حفاظت فیزیکی از رهبر ایران است و تعداد نیروها و اعضای آن در حدود دوازده هزار نفر تخمین زده شده است و احتمال داده می‌شود که به دلیل اهمیت و حسّاسیت ویژه‌ای که دارد، عملکردش کاملاً مستقل از سایر ارگان‌ها و نهادهای نظامی، حفاظتی و امنیتی باشد. جالب است که این مجموعه‌ی حفاظتی، سابقه‌ای طولانی در نظام ایران دارد و تشکیل آن به دهه‌ی اول انقلاب ایران بازمی‌گردد و این حاکی از آن است که ضرورت حفاظت از جان رهبر یک حکومت، از همان سال‌های اولیه در این نظام برای همگان قابل درک بوده است!

بعد از مطالعه‌ی این مطلب، عمیقاً به فکر فرو رفتم و افسوس و حسرت عمیقی را در خود احساس کردم. با خود می‌گفتم که این ۱۲۰۰۰ نفر به طور قطع از فیلترهای متعدّد و گزینش‌های سخت‌گیرانه‌ی فراوانی عبور کرده‌اند و مدّت‌ها تحت آموزش‌های دشوار و طاقت‌فرسا قرار گرفته‌اند و با بودجه‌ها و هزینه‌ها و تسهیلات و امکانات بسیاری حمایت

شده‌اند تا مهارت‌های ویژه و توانمندی‌های رزمی و حفاظتی لازم و صلاحیت حضور در این یگان نظامی را به دست آورند تا نهایتاً در خدمت حاکمی ظالم و خودکامه قرار گیرند و از او در برابر تهدیدات و خطرات فیزیکی محافظت نمایند، مبادا گردی بر دامان او بنشیند یا کسی به او نزدیک شود و خلاصه اینکه برای حفظ جان او از جان خویش مایه می‌گذارند و در صورت لزوم خود را نیز فدای او می‌کنند!! با تأمل و دقت در این موضوع، سه نکته به ذهنم خطور کرد که در ادامه مطرح می‌کنم:

۱. مشروط بودن ظهور مهدی به تأمین امنیت او

این امری کاملاً عقلایی و قابل درک است که رهبران و سردمداران جوامع بیش از دیگران مورد توجه عموم هستند و از این رو، بیشتر نیز در معرض خطرات و حملات فیزیکی قرار می‌گیرند؛ کما اینکه از شرق تا غرب زمین، شاید به ندرت کشوری پیدا بشود که شخص اول آن همواره جماعتی از بادیگارد‌های زبده و کارکشته را به دنبال خود نکشد و پیش از رفتن به جایی، آنان را برای بازدید و پاکسازی محیط روانه نکند؛ بلکه گفته می‌شود که شمار این افراد برای برخی حاکمان مستبد در کشورهای دیگر تا صد هزار نفر نیز می‌رسد و گاهی دیده می‌شود کسانی که منصب مهمی در جامعه ندارند و به لطف اقتضائات دنیای جدید شهرتی دست و پا کرده‌اند نیز بدون حضور محافظ در انظار عمومی ظاهر نمی‌شوند و با این وصف، می‌توان گفت که هیچ عاقلی در عالم، ضرورت محافظت فیزیکی از اشخاصی که امنیتشان به هر دلیلی در معرض خطر است را به هنگام حضور در انظار عمومی زیر سؤال نمی‌برد. اما سؤال اینجاست که چرا هنگامی که نوبت به ظهور مهدی می‌رسد، ایادی همان اشخاصی که خود چندین هزار نیروی تحت امر و محافظ شخصی دارند، به فرافکنی و عوام‌فریبی روی می‌آورند و ذهن مردم را از واقعیت دور می‌کنند و غیبت او را به حکمت خفیه‌ی الهی و امور غیر معقول پیوند می‌زنند، در حالی که مهدی علیه السلام نیز به عنوان گماشته‌ی خداوند، شخص اول جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود و با این وصف، مانند تمامی اشخاص دیگر برای ظهور در بین مردم به محافظت فیزیکی از خود و تأمین امنیتش در برابر منافقان و کافران نیاز دارد و اگر هنوز ظهور نکرده، به این خاطر است که هنوز امیدی به حفظ امنیت خود ندارد و این شرطی لازم و ضروری است که مبنای ظهور او و شکل‌گیری حکومتش به شمار می‌رود.

۲. ضرورت حفاظت از مهدی و عدم حفاظت از حاکمان دیگر

این در حالی است که رهبران و سردمداران فاسد جوامع، از یک سو، با تصرف غیر عادلانه در اموال و انفس، دشمنان بسیاری برای خود تراشیده‌اند و از همین رو، بدون حضور محافظان امنیتی بسیارشان جرئت خروج از خانه و ظاهر شدن در بین مردم را ندارند و از سوی دیگر، با جبر و استبداد و پایمال کردن حقوق و سرکوب منتقدان و ریختن خون مخالفان به مسند حکومت دست یازیده‌اند و از این رو، با هر حرکتی که بنای بر اصلاح داشته باشد مقابله می‌کنند و محافظان و نیروهای تحت امر خود را به یافتن و دستگیری یا قتل مخالفانشان امر می‌کنند، در حالی که مخالفان آنان از آنان بدتر نیستند و برای کسب قدرت از دین مایه نمی‌گذارند و با حرب‌های ماکیاولیستی به هر دروغ و نیرنگ و فریبی روی نمی‌آورند؛ بلکه اصلی‌ترین مخالف آنان در زمان حاضر کسی است که حکومتش را غصب کرده‌اند و او در زمان حاضر مهدی فاطمی است که از سر همین حاکمان جبار و نیروهای مزدور و جان بر کفشان مجبور به اختفا و غیبت شده است. از اینجا دانسته می‌شود، کسانی که امروز از اولیاء امر خودخوانده‌ی مسلمین محافظت می‌کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه با ولی امر حقیقی مسلمین دشمنی می‌کنند و از این رو، بر آنان واجب است که هر چه سریع‌تر حزب خود را تغییر دهند و با خروج از سپاه دیگران به سپاه مهدی بپیوندند؛ چراکه عقلاً و شرعاً تنها حکومتی که اسلامی و از جانب خدا محسوب می‌شود، حکومت مهدی است و تبعاً تقویت سپاه دیگران منجر به تضعیف سپاه مهدی و تأخیر در فرج او می‌شود. این نیروهای آموزش‌دیده‌ی نظامی باید هوشیار باشند و بدانند که هم اکنون نه در خدمت مهدی، بلکه در مقابل مهدی صف‌آرایی کرده‌اند و در جبهه‌ای مقابل مهدی می‌جنگند؛ کما اینکه رهبر سابق این نظام معتقد بود: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - ولو امام عصر باشد - اهمیّتش بیشتر است»^۱ و با این وصف، روشن است نظامی که حفظ خود را اوجب واجبات می‌داند و حفظ حاکمیت را بدون اجرای احکام اسلام، بلکه با زیر پا گذاشتن آن‌ها روا می‌شمارد، با استفاده از همین یگان‌های نظامی و امنیتی خود برای حذف مهدی علیه السلام هم اقدام خواهد کرد.

۳. تزویر و دورویی رهبران حاکم بر ایران

همچنانکه دانسته می‌شود که نظام ایران و سردمداران و وابستگان به آن، مجموعه‌ای مزور و

۱. صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵، صفحه‌ی ۳۶۴

جاه طلبند که شعارهای دینی و مهدوی را پوششی برای عوام‌فریبی و بازی با عقاید مردم قرار داده‌اند و با تبلیغات فریبنده و القانات ریاکارانه‌شان، خائن‌ترین سیستم سیاسی به آرمان‌های اسلامی شمرده می‌شوند. به راستی اگر این‌ها قبول دارند که حمایت واقعی و حفاظت از جان یک رهبر و یک حاکم - خواه عادل باشد و خواه ظالم - تشکیل و حفظ حکومت او را تضمین می‌کند، چرا این ۱۲۰۰۰ نفرها و ارتش‌ها و سپاه‌های هزار هزار که درباره‌ی اقتدار خویش لاف‌ها می‌زنند و از قدرت بازدارندگی خود سخن می‌گویند، در خدمت کسی جز مهدی هستند؟! مگر این‌ها خود را مسلمان و اصطلاحاً شیعه نمی‌نامند؟! مگر ادعای محبت اهل بیت و پیروی از مهدی را ندارند؟! خوب است سخن علامه منصور هاشمی خراسانی را به یاد آنان بیاوریم که فرموده‌اند: «دروغ می‌گوید کسی که خود را شیعه‌ی علی می‌پندارد، در حالی که از کسی جز مهدی جانب‌داری می‌کند!»^۱ به راستی اگر می‌توان امنیت یک «ظالم ناقص» که خداوند به یاری او وعده‌ای نداده است را تأمین کرد، چرا نتوان امنیت یک «عادل کامل» که خداوند به امداد او و پیروزی‌اش وعده داده است را تأمین نمود؟!

وانگهی ادعای مضحک این مفسدان مبنی بر اینکه حکومتشان هم‌راستا با حکومت امام مهدی است و ارتش و سپاه را با هدف حفاظت از او تجمیع کرده‌اند، هر چند مدت مدیدی از تاریخ انقضایش گذشته و بطلانش برای عموم آشکار شده است، زمانی رسواتر می‌شود که بدانیم مهدی علیه السلام تنها در صورتی خود را به مردم نشان می‌دهد و برای آنان ظهور می‌کند که امنیت کافی برای این کار داشته باشد و دست کم همین چند هزار نفر از «سپاه حفاظت از ولی امر (!)» در خدمت او و وفادار به او باشند و او به آنان اطمینان کامل داشته باشد. اما وقتی می‌بینیم که بعد از گذشت چند دهه از استقرار نظام هنوز ظهور نکرده است، برایمان معلوم می‌شود که به آن ارتش و سپاه اعتمادی ندارد. البته روشن است که وقتی این نیروهای نظامی در خدمت مدّعیان دروغین و غاصبان حقّ مهدی و وفادار به آنان باشند، مهدی نیز آنان را دشمن خود می‌داند و به آنان اطمینان نخواهد کرد! همچنانکه حضرت علامه در این باره فرموده‌اند:

«رفع مانع دسترسی به مهدی که پیش از هر چیز، فقدان امنیت لازم برای اوست، بر مردم واجب است و هرگاه آن را انجام دهند، بر مهدی واجب می‌شود که دسترسی

۱. گفتار ۱۷۵، فقره‌ی ۸

به خود را برای آنان تسهیل کند و او به اقتضای طهارتش از هر گونه رجس و عدم افتراقش از کتاب خداوند، این کار را انجام می‌دهد و عدم انجام این کار توسط او تاکنون، دلیل بر آن است که مردم تاکنون مانع دسترسی به او را رفع نکرده‌اند و امنیت لازم برای او را به وجود نیاورده‌اند»^۱.

به راستی جای بسی افسوس و دریغ است که طبق برآورد حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی که در جای خود هماهنگی‌اش با قرآن و سنت ثابت شده است، «در صورت اجتماع ده هزار مرد آماده برای حفاظت و اطاعت از امام مهدی علیه السلام، ظهور آن حضرت ممکن است»^۲، اما امروزه کشورهای مختلف اسلامی که مدعی پاسداری از ارزش‌های دینی هستند و ده‌ها و صدها هزار نفر ارتش و نیروی ورزیده و آموزش‌دیده دارند، هنوز نتوانسته‌اند و در واقع نخواسته‌اند چنین نیرویی را برای امام مهدی فراهم کنند، بلکه کشوری مانند ایران آشکارا نیروهای نظامی و امنیتی خود را صرف مبارزه با نهضت زمینه‌سازی برای ظهور او می‌کند تا ننگین‌ترین کارنامه را در میان شاهان و طواغیتی که در طول چند هزار سال بر این خاک حکومت کرده‌اند، به نام خود ثبت کند.

اف بر دنیایی که بهترین خلق خدا در آن تنه‌است و سرباز و یآوری ندارد و دجال‌ها و طاغوت‌ها و جبارها در آن تا بن دندان مسلح هستند. گویی هر چه فدایی و محافظ است برای ظالمان است و نصیب صالحان جز تنهایی و غربت نیست!

به هر حال، این دنیایی است که شیطان با تجربه‌ای به درازای تاریخ و کوششی هزار ساله آن را شکل داده است و لذا چاره‌ای نیست جز اینکه از خداوند استمداد جست و با صبری جمیل و تلاش و کوششی مضاعف و با روشنگری در میان مردم، آنان را با زمینه‌ساز راستین ظهور امام مهدی، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آشنا ساخت. امید که خداوند نابودی ظالمان را نزدیک گرداند و فرج امت را برساند. با فرازی از شکوهی سوزناک و جانکاه حضرت منصور هاشمی خراسانی سخنم را به پایان می‌برم:

«ائمه‌ی ایمان همواره بی‌یاور بوده‌اند و ائمه‌ی کفر همواره پُریاور! اگر کاخی بوده همواره برای ظالمان بوده است و اگر کوخی بوده همواره برای پاکیزگان! اگر قدرتی

۱. بازگشت به اسلام، ص ۲۴۶

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۳۸۷.

بوده همواره برای مشرکان بوده است و اگر هجرتی بوده همواره برای پیامبران!
 اگر بیعتی بوده همواره برای یزیدیان بوده است و اگر شهادتی بوده همواره برای
 حسینیان! اگر دولتی بوده همواره برای گمراهان بوده است و اگر غیبتی بوده
 همواره برای مهدیان! این چه رسوایی است که تاریخ را فرا گرفته و این چه دیوانگی
 است که جهان را گرفتار کرده است؟!»^۱

مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۲. مقاله‌ی «آخرین فرصت‌ها»
۱. نکته‌ی «هر کسی از ظنّ خود شد یار او»



۱. نامه‌ی ۱۴

پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز تخصصی حضرت امام خمینی (ره) حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.